

مشخصات صاحب اثر :

نام و نام خانوادگی : صدیقه سپاسی

نام پدر : داود

شماره شناسنامه : ۱۷۶۰ صادره از اراک

تاریخ تولد : ۱۳۶۱

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

نام دانشگاه : دانشکده اصول الدین قم

عنوان پایان نامه :

پژوهشی پیرامون سه مقام اخروی نبی اکرم (ص) (شفاعت، محمود،

شهادت) از دیدگاه قرآن و روایات

با امتیاز ۱۹ و درجه عالی در بهمن ماه ۱۳۸۶ دفاع شد .

خلاصه ای از پایان نامه :

بسم الله الرحمن الرحيم

- الحمد لله الذي اتيه مصائر الخلق و عواقب الامر حمدا يكون لحقه و قضاء و لشكره
في اداء

- در اواخر سال ۸۴ بود که قلمهای پلید، در سایه حمایت سیاستهای شیطانی دشمنان
اسلام، ساخت متن پیامبر رحمت (ص) را مورد هتک حرمت قرار دادند و
تصاویر و مطالبی موهن در نشریات برخی کشورهای اروپایی از جمله دانمارک به
چاپ رسید.

این اقدام جاهلانه و اسلام ستیزانه، اندیشمندان و محققان جهان اسلام را متوجه نیاز
دنیاى امروز کرد، نیاز به شناخت رسول اکرم (ص). امروز عالم هستی محتاج به
آموزه های راستین ایشان است، امروز ما محتاج احیای شخصیت رسول و منادی
رحمت هستیم، شخصیتی که در جامعه خود ما و در جهان اسلام نیز مهجور هستند.
از سوی دیگر اقدام به جا و زیبایی فرهنگی رهبر معظم انقلاب در نامگذاری سال
۸۵ به نام سال «پیامبر اعظم (ص)» بستر بسیار مناسبی را برای آشنایی هر چه
بیشتر جهان اسلام و بلکه همه جهانیان، با کامل ترین انسان و بزرگترین پیامبران
الهی فراهم نمود.

انتخاب موضوع این رساله با عنوان «پژوهشی در مقامات اخروی نبی اکرم (ص) با
تاکید بر سه مقام (شفاعت، محمود و شهادت) از دیدگاه قرآن و روایات» از آنجا بود
که من نیز از اهانتها و جسارتهای صورت گرفته به ساحت مقدس پیامبر اعظم (ص)
ناراحت شدم و هم از اینکه خود به عنوان یک مسلمان آشنایی و معرفت چندانی نسبت
به پیامبر ندارم، از این رو این موضوع را برای رساله خود انتخاب کردم تا هم خودم
با شخصیت رسول اکرم (ص) آشنا شوم و هم شاید نتیجه این پژوهش بتواند معرف
قطره ای از دریای بیکران عظمت رسول اکرم (ص) برای دیگران باشد.

- گفتن و نوشتن درباره شخصیتی که مخاطب حدیث قدسی «لولاک لما خلقت
الافلاک» و کسی که آفرینش او فلسفه آفرینش است بسی دشوار است، همانگونه که
خود حضرت خطاب به امیرمؤمنان علی (ع) فرموده اند: «یا علی! ما عرف الله الا

أنا و أنت و ما عرفنی إلا الله و أنت « ای علی ! کسی جز من و تو خدا را نشناخت و کسی جز خدا و تو من را نشناخت ، بلکه بدون هدایت خداوند متعال و عنایت خود آن حضرت (ص) غیر ممکن است .

در مورد رسول اکرم (ص) از وجوه و جنبه های مختلف می توان صحبت کرد ، یکی از جنبه هایی که کمتر مورد توجه و عنایت قرار گرفته است (مقامات اخروی رسول اکرم (ص) می باشد که هدف از انجام این پژوهش شناخت و بررسی سه مقام معنوی (شفاعت ، محمود و شهادت) پیامبر اکرم (ص) پس از دنیا می باشد ؛ که در پرتو آن عظمت و بزرگی شخصیت آن بزرگوار برای ما روشن می شود .

وجود مبارک رسول اکرم (ص) که علت غایی وجود عالم هستی است ؛ پس از حق تعالی برترین و مهم ترین موضوع برای شناخت در عالم وجود است ، به گونه ای که شناخت و معرفت این شخصیت عظیم الشان یکی از راههای خداشناسی قلمداد شده است ؛ شناخت وجودی که در صفات و کمالات نزدیکترین فرد به خداوند متعال و معبر گذرگاهی برای بصیرت و آگاهی در دین می باشد .

قرآن کریم برای تربیت صحیح و هدایت بشر پیامبر اکرم (ص) را که ، خلیفة الله ، انسان کامل و مظهر اسم اعظم الهی است ، اسوه و مقتدای مردم معرفی کرده و خطوط کمالی این مقتدا را تبیین و راه رسیدن به کمال را در پرتو پیروی از حضرتش بیان کرده ، پویندگان این راه را معرفی و نتایج پیروی از این راه هم تشریح کرده و زیانهای تحمل ناپذیر تمرد از این طریقت را نیز گوشزد کرده است

این خطوط کمالی ، جایگاه ویژه رسول اکرم (ص) نزد خداوند متعال و ویژگیهای آن حضرت را که سبب شده در صدر سلسله انبیاء و اولیای الهی قرار گیرد برای ما روشن می سازد ، در این جاست که اهمیت بررسی و تبیین مقام شفاعت ، محمود و شهادت که برجسته ترین خطوط کمالی رسول اکرم (ص) در روز رستاخیز هستند به دست می آید . امید که این پژوهش علی رغم کاستیهای موجود بتواند در تحقق این مهم گامی هرچند کوچک بردارد .

این رساله با استفاده از متون لغوی ، تفسیری ، روایی ، کلامی ، عرفانی و فلسفی در ۵ فصل تدوین شده است .

فصل اول کلیات است که در آن علاوه بر تبیین موضوع و پیشینه بحث به بیان اهمیت و اهداف پژوهش پرداخته ایم.

در فصل دوم با عنوان «تحلیل ماهیت شفاعت و حکمت آن» ضمن بررسی لغوی و اصلاحی واژه شفاعت و بیان تفاوت شفاعت مطرح شده در قرآن با شفاعت رایج در میان مردم تحلیلی از حکمت اعطای مقام شفاعت به رسول اکرم (ص) از منظر فلاسفه و عرفا در پرتو حقیقت محمدیه (ص) ارائه شده، که در ضمن این بحث روشن شد. حقیقت محمدیه (ص) اولین تعین و جلوه ظهور باریتعالی است که بالاتر از آن مرتبه ای جز مرتبه ذات الهی نیست؛ حقیقت محمدیه (ص) همان حضرت رسول (ص) نیست بلکه آن حقیقتی است کلی و فراگیر، البته مصداق اکمل و اتم حقیقت محمدیه (ص) در عالم هستی در وجود جسمانی رسول اکرم (ص) به ظهور رسیده بنابراین ایشان، آینه و آیتی کامل از حقیقت محمدیه (ص) می باشد و مقام ایشان بالاترین مقام هاست به طوریکه آن حضرت بعد از خداوند متعال در بالاترین مرتبه وجودی جای گرفته و به اذن خدا هر صاحب حقی را به حقش و هر صاحب مقامی را به مقامش می رساند، ایشان مظهر رحمت و اسعه الهی است و بهره مندی از رحمت و فیض الهی جز از طریق حضرتش امکان پذیر نمی باشد.

سپس به ذکر اقسام شفاعت اعم از تشریعی و تکوینی و دنیوی و اخروی با استناد به آیات قرآن پرداخته و شبهات مطروحه پیرامون مسئله شفاعت را پاسخ داده ایم. در پایان این فصل برای تکمیل مباحث و با توجه به رابطه میان شفاعت با توسل نمونه هایی از شفاعتهای دنیایی که به رسول اکرم (ص) صورت گرفته را آورده ایم.

در فصل سوم با عنوان گستره شفاعت نبی اکرم (ص) از دیدگاه فریقین دیدگاهها و ادله شیعه و اشاعره با معتزله پیرامون حیثه شفاعت رسول اکرم (ص) به طور جداگانه و به صورت تطبیقی بررسی شده است، و در پایان این فصل گونه ها و شروط شفاعت نجات از دوزخ مطرح گردیده است.

بر اساس آنچه در این فصل مطرح شده در مورد اصل مسأله شفاعت پیامبر اکرم (ص) بین همه فرق مسلمین اتفاق نظر وجود دارد، اما در مورد اینکه چه کسانی از مومنین مشمول شفاعت ایشان قرار بگیرند، بین آنها اختلاف جدی وجود دارد؛

معتزله با تکیه بر اصول خویش شفاعت را مخصوص مومنینی که مرتکب گناه کبیره نشده اند یا بعد از ارتکاب گناه توبه کرده اند می دانند ، اما سایر فرق اعم از شیعه و سنی با توجه به احادیث فراوان که در این باره رسیده ، شفاعت را دفع ضرر و اسقاط عذاب از آن کسی که مومن است و گناهکار و مستحق عذاب می دانند که به طور کامل دیدگاههای آنها در این فصل بررسی شده و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که حیطة مقام شفاعت حضرت رسول (ص) هم شامل اعطای درجه به رستگاران و هم تخفیف عذاب از دوزخیان می باشد .

در فصل چهارم مقام محمود رسول اکرم (ص) بررسی شده است در این فصل ابتدا مقام محمود از نظر لغوی و اصطلاحی معنا شده ؛ سپس رابطه میان مقام محمود با سایر مقامات اختصاصی رسول اکرم (ص) تبیین گردیده است ، در پایان این فصل جلوه های شفاعت کبرای حضرت رسول (ص) که مصداق بارز مقام محمود می باشد را آورده ایم . در ضمن مباحث این فصل روشن شد مقام محمود که در آیه (عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً) به رسول خدا (ص) وعده داده شده است ؛ مجموعه ای از برترین و بالاترین فضیلتها در روز قیامت است که از میان تمام پیامبران الهی تنها اختصاص به رسول اکرم (ص) دارد ، این جایگاه بنابر روایات مورد غبطه دیگران است ، در این مقام رسول خدا (ص) به حمد و ستایش خداوند می پردازد ، لوای حمد به دست می گیرد و همه پیامبران در آن روز تحت لوای ایشان قرار می گیرند و در این مقام شرافت و فضیلت رسول اکرم (ص) نسبت به سایر پیامبران برای خلائق روشن و آشکار می شود .

شفاعت کبرای رسول اکرم (ص) در روز رستاخیز بارزترین مصداق این مقام است و فضایل و کمالاتی چون حوض کوثر ، درجه وسیله ، لوای حمد و سایر مقاماتی که در روز قیامت تنها اختصاص به رسول اکرم (ص) دارد جلوه ها و مصادیق دیگری از مقام محمود می باشند .

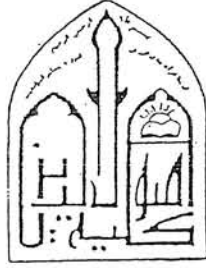
در فصل پنجم که اختصاص به مقام شهادت رسول اکرم (ص) دارد . پس از مفهوم شناسی لغوی ، اصطلاحی و قرآنی شهادت ، نگاهی گذرا به شاهدان روز قیامت شده است ، سپس مقام شهادت رسول اکرم (ص) بررسی و حیطة شهادت آن حضرت

تبیین گردیده است . از نتایجی که ضمن مباحث این فصل به دست آمد این است که رسول اکرم (ص) شاهد اعمال امت خود ، جمیع امم گذشته و همه انبیاء و اولیاء الهی است چرا که همه جهان هستی زیر پوشش احاطه علمی اوست و غیب و شهادت مشهود اوست .

رسول اکرم (ص) به اذن خداوند متعال از سعه ی وجودی و احاطه شهودی گسترده ای برخوردار است و بر این اساس در روز قیامت گواه اولین و آخرین خواهد بود . در نهایت باید گفت جایگاه ویژه رسول اکرم (ص) نزد خداوند متعال حکمت اعطای این مقامات به ایشان بوده است . چرا که برترین مصداق انسان کامل و مظهر تام اسماء و صفات الهی که تمام ثنون خداوند متعال در او متجلی شده رسول اکرم (ص) می باشد . لذا بی تردید کامل ترین کمالات، پسندیده ترین خصایص ، برترین فضایل و بی حساب ترین عطایا در روز رستاخیز از آن ایشان است .

از فواید این رساله برای حقیر این بود که برای نگارش آن کتب زیادی را مطالعه کردم و مروری بر مباحث مهم پیرامون معاد و حقیقت وجودی پیامبر اکرم (ص) و غیره داشتم که برایم بسیار مفید بود .

والسلام علیکم ورحمة الله



دانشکده اصول الدین قم
گروه علوم قرآن و حدیث
پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع

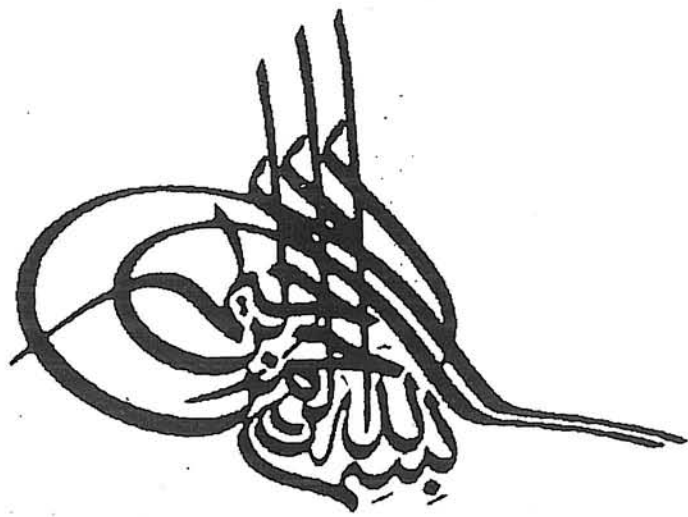
پژوهشی پیرامون سه مقام اخروی نبی اکرم ﷺ
(شفاعت، محمود، شهادت) از دیدگاه قرآن و روایات

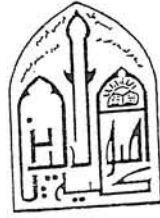
نگارش
صدیقه سپاسی

استاد راهنما
دکتر فتح الله نجارزادگان (محمدی)

استاد مشاور
دکتر ناصر محمدی رفیعی

زمستان ۱۳۸۶





دانشکده اصول الدین قم
گروه علوم قرآن و حدیث
پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع

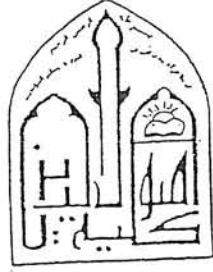
پژوهشی پیرامون سه مقام اخروی نبی اکرم صلی الله علیه و آله
(شفاعت، محمود، شهادت) از دیدگاه قرآن و روایات

نگارش
صدیقه سپاسی

استاد راهنما
دکتر فتح الله نجارزادگان (محمدی)

استاد مشاور
دکتر ناصر محمدی رفیعی

زمستان ۱۳۸۶



كلية اصول الدين قم
قسم علوم القرآن والحديث
رسالة الماجستير

الموضوع

**بحث حول المقامات الثلاثة للنبي الكريم صلى الله عليه وآله في الآخرة
(الشفاعة، المحمود، الشهادة) انطلاقاً من رؤية قرآنية وحديثية**

اعداد

صديقة سپاسى

الاستاذ المشرف

الدكتور فتح الله نجارزادگان (محمدي)

الاستاذ المشاور

الدكتور ناصر محمدي رفيعي

السنة ١٤٢٩

السلام عليك يا رسول الله ﷺ وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين ورحمة الله وبركاته

به نسیم حیات بخش هستی

به بشارت باران

که امواج اشتیاق را در هر دل دریایی به تلاطم می افکند

به پیام آور رحمت و مهربانی

او که قدر و منزلتش را هرگز نتوان شناخت.

.....

.....

سپاسگزاری

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ مَصَائِرُ الْخَلْقِ وَعَوَاقِبُ الْأُمْرِ، حَمْدًا يَكُونُ لِحَقِّهِ قَضَاءً وَلِشُكْرِهِ أَدَاءً»؛

(ستایش خداوندی را که سرانجام خلقت، و پایان کارها به او باز می‌گردد، ستایشی که حق او را ادا کند، و شکر

شایسته او را به جا آورد) نهج البلاغه / خطبه ۱۸۲.

«مَنْ لَمْ يَشْكُرْ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرْ الْخَالِقَ»

باگرا میداشت یاد و خاطره علامه فقید حضرت آیت الله سید مرتضی عسگری رحمته الله، او که طلایه دار و روشنگر راه علم اندوزی و آشنایی با علوم قرآن و اهل بیت علیهم السلام برای ما بود.

بدینوسیله، صمیمانه از زحمات تمام بزرگوارانی که مرا در تهیه این رساله یاری نمودند به ویژه استاد گرانمایه جناب آقای دکتر نجارزادگان که رهنمودهای عالمانه، ارزشمند و بی دریغ ایشان روشنگر مسیر تحقیق حاضر و پشتوانه علمی و معنوی اینجانب بود و استاد فرزانه جناب آقای دکتر رفیعی که با نقد و راهنماییهای ارزنده خود مرا، در آماده سازی این مجموعه یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نمایم. امید آنکه توفیق استفاده از محضر این بزرگواران در ادامه راه نیز برایم میسر شود.

همچنین از استاد محترم داور که زحمت مطالعه و نقد این رساله را بر عهده گرفته، و در تصحیح کاستی‌ها راهنمایی نمودند، صمیمانه سپاسگزارم. و با تقدیر و تشکر از همه بزرگوارانی که در طی این مقطع تحصیلی از محضر ایشان کسب فیض نمودم.

همچنین از مسئولین محترم کتابخانه‌های دانشکده اصول الدین، دانشگاه اراک، فرهنگ و معارف قرآن کریم، فلسفه و کلام، دار الحدیث و... نهایت تشکر و قدردانی را می‌نمایم. و از پدر و مادر بزرگوارم که در مراحل مختلف تحصیل، بنده را تشویق و ترغیب نموده سپاسگزاری و قدردانی نموده و از خداوند متعال برای ایشان طول عمر همراه با عزت و سلامتی را خواستارم.

چکیده

نوشتار حاضر پژوهشی پیرامون سه مقام اخروی نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (شفاعت، محمود و شهادت) است، که در آن بانگاهی جامع به آیات قرآن و روایات اسلامی و با استفاده از متون تفسیری، کلامی، عرفانی و فلسفی ابعاد و جوانب مختلف این سه مقام در چهار فصل توصیف، تحلیل و تبیین گردیده است. فصل اول: کلیات که در آن علاوه بر تبیین موضوع و پیشینه بحث، به بیان اهمیت و اهداف پژوهش پرداخته ایم.

فصل دوم اختصاص به مقام شفاعت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارد و شامل دو بخش می باشد. در بخش اول ماهیت شفاعت و حکمت آن مورد بررسی قرار گرفته است؛ و پس از تعریف لغوی و اصطلاحی شفاعت، تحلیلی از حکمت اعطای مقام شفاعت به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از منظر فلاسفه و عرفا ارائه گردیده است؛ بعد از ذکر اقسام شفاعت صحیح، شبهات مطروحه پیرامون مسأله شفاعت پاسخ داده شده است.

در پایان این بخش برای تکمیل مباحث نمونه هایی از شفاعت های دنیایی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است. در بخش دوم با عنوان گستره شفاعت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دیدگاه فریقین، دیدگاهها و ادله شیعه و اشاعره با معتزله در مورد حیطه شفاعت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طور جداگانه و به صورت تطبیقی بررسی شده است، سپس گونه ها و شروط شفاعت نجات از دوزخ مطرح گردیده است.

در فصل سوم مقام محمود رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بررسی شده که در آن پس از تعریف لغوی و اصطلاحی حمد و مقام محمود؛ رابطه میان مقام محمود با سایر مقامات اختصاصی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تبیین گردیده و در پایان جلوه هایی از شفاعت کبری حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که مصداق بارز مقام محمود می باشد آمده است.

فصل چهارم اختصاص به مقام شهادت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارد. که در آن پس از بیان مفهوم لغوی، اصطلاحی و قرآنی شهادت، نگاهی گذرا به شاهدان روز قیامت شده است، سپس مقام شهادت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بررسی و حیطه شهادت آن حضرت را تبیین کرده ایم.

واژه های کلیدی: نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مقام شفاعت، مقام محمود، مقام شهادت.

۳۲	گفتار سوم: اقسام شفاعت
۳۲	۱-۳) شفاعت تکوینی و تشریحی
۳۲	۳-۱-۱) شفاعت تشریحی در دنیا
۳۴	۳-۱-۲) شفاعت تشریحی در قیامت
۳۶	۳-۲) شفاعت دنیوی و شفاعت اخروی
۳۶	۳-۲-۱) شفاعت دنیوی
۳۸	۳-۲-۲) شفاعت اخروی
۳۸	۳-۲-۲-۱) آیات نفی
۴۰	۳-۲-۲-۲) آیات اثبات
۴۴	شرایط مشفوع له
۴۵	گفتار چهارم: بررسی تردیدها و شبهات پیرامون شفاعت
۴۵	۴-۱) شبهات مطروحه در مسأله شفاعت
۴۶	۴-۲) پاسخ به شبهات
۴۸	گفتار پنجم: نمونه‌هایی از شفاعت‌های دنیایی رسول اکرم <small>ﷺ</small>
۴۸	۵-۱) شفاعت رسول اکرم <small>ﷺ</small> قبل از خلقت
۴۹	۵-۲) شفاعت رسول اکرم <small>ﷺ</small> در زمان حیات
۵۰	۵-۳) شفاعت رسول اکرم <small>ﷺ</small> پس از وفات
۵۱	حاصل سخن

بخش دوم: گستره شفاعت پیامبر اکرم ﷺ از دیدگاه فریقین

ص ۵۳-۱۰۴

۵۴	درآمد
۵۷	گفتار اول: دیدگاه شیعه و اشاعره
۵۸	۱-۱) دیدگاه شیعه
۵۸	۱-۱-۱) شفاعت پیامبر <small>ﷺ</small> فقط در اسقاط عذاب
۶۰	۱-۱-۲) شفاعت در اسقاط عذاب و ترفیع درجات
۶۱	۱-۲) دیدگاه اشاعره
۶۲	۱-۳) ادله شیعه و اشاعره
۶۲	۱-۳-۱) ادله نقلی

۱۰۴	دارندگان خصلتهای نیک (۷-۶-۳)
۱۰۵	حاصل سخن

فصل سوم: بررسی مقام محمود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ص ۱۰۶-۱۵۵

۱۰۷	درآمد
۱۰۸	گفتار اول: مفهوم‌شناسی مقام محمود
۱۰۸	۱-۱-۱) حمد در لغت
۱۰۹	۱-۱-۲) حمد در اصطلاح
۱۱۰	۱-۱-۳) مقام محمود در لغت و اصطلاح
۱۱۱	۱-۲) مقام محمود از دیدگاه قرآن
۱۱۵	گفتار دوم: مقام محمود؛ جامع تمام مقامات
۱۱۵	۱-۲) حقیقت مقام محمود
۱۱۷	۲-۲) مقام محمود، جایگاه تحمید خداوند سبحان
۱۲۱	۳-۲) مقام محمود و اعطای رضایتمندی
۱۲۳	۴-۲) مقام محمود و نخستین اذن برای شفاعت
۱۲۶	۵-۲) مقام محمود و حوض کوثر
۱۳۱	۶-۲) مقام محمود و درجه وسیله
۱۳۴	۷-۲) مقام محمود و لوای حمد
۱۳۷	۸-۲) پیوند مقام محمود با جایگاه اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۴۰	گفتار سوم: جلوه‌های مقام محمود و شفاعت کبری (فراگیر)
۱۴۲	۱-۳) نخستین شفیع روز جزا
۱۴۳	۲-۳) شفاعت برای انبیا <small>علیهم السلام</small>
۱۴۴	۳-۳) شفاعت برای امت اسلام
۱۴۸	۳-۳-۱) شفاعت ویژه محبان امام علی <small>علیه السلام</small>
۱۵۰	۳-۳-۴) شفاعت برای سایر امتها
۱۵۰	۳-۳-۵) شفاعت برای رهایی از رنجهای مواقف
۱۵۱	۳-۳-۶) شفاعت برای تعجیل در حسابرسی‌ها
۱۵۴	حاصل سخن

فصل اول

کلیات

مهم‌ترین موضوع برای شناخت در عالم وجود است، به گونه‌ای که شناخت و معرفت این شخصیت عظیم الشان یکی از راههای خداشناسی قلمداد شده است؛ شناخت وجودی که در صفات و کمالات نزدیکترین فرد به خداوند متعال و معبر و گذرگاهی برای بصیرت و آگاهی در دین می‌باشد.

قرآن کریم برای تربیت صحیح و هدایت بشر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را [که خلیفه الله، انسان کامل و مظهر اسم اعظم الهی است] اسوه و مقتدای مردم معرفی کرده و خطوط کمالی این مقتدا را تبیین و راه رسیدن به کمال را در پرتو پیروی از حضرتش بیان کرده، پویندگان این راه را معرفی و نتایج پیروی از این راه را هم تشریح کرده و زیانهای تحمّل ناپذیر تمرّد از این طریقت را نیز گوشزد کرده است.

این خطوط کمالی، جایگاه ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزد خداوند متعال و ویژگیهای ممتاز آن حضرت را [که سبب شده در صدر سلسله انبیا و اولیای الهی قرار گیرد] برای ما روشن می‌سازد، در این جاست که اهمیت بررسی و تبیین مقام شفاعت، محمود و شهادت که برجسته‌ترین خطوط کمالی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز رستاخیز هستند، بدست می‌آید. امید که این مجموعه بتواند در تحقق این مهم گامی هر چند کوچک بردارد.

۱ - ۳) بیان اهداف

پیامبرشناسی از مهم‌ترین معارفی است که هم قرآن کریم متکفل بیان آن شده و هم در سخنان و کلمات ائمه معصومین علیهم السلام تبیین شده است.

در مورد رسول اکرم صلی الله علیه و آله از وجوه و جنبه‌های مختلف می‌توان صحبت کرد، یکی از جنبه‌هایی که کمتر مورد توجه و عنایت قرار گرفته (مقامات اخروی رسول اکرم صلی الله علیه و آله) می‌باشد. از این رو هدف از انجام این رساله را می‌توان به دو بخش کلی و ویژه تقسیم کرد.

هدف کلی از انجام این پژوهش شناخت و بررسی سه مقام معنوی [شفاعت، محمود و شهادت] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از دنیا می‌باشد؛ که در پرتو آن عظمت و بزرگی شخصیت آن بزرگوار برای ما روشن می‌شود.

و اهداف ویژه‌ای که این مجموعه دنبال می‌کند عبارتند از:

۱ - تبیین جایگاه ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در میان افراد و مصادیق دارای این مقامات.

قرآن، متون روایی، کلامی، فلسفی و عرفانی این مسأله را تأیید خواهد کرد.

۱ - ۵) سوآلهای اصلی و فرعی

مهمترین سوآلی که این پژوهش بر اساس آن شکل گرفته این است که:

- مقامات اخروی رسول اکرم ﷺ چه مقاماتی هستند، و حکمت اعطای این مقامات از سوی خداوند

متعال به رسول اکرم ﷺ چه می باشد؟

بخشی از مسائل جانبی که برای روشن شدن ابهامات موجود در بحث مطرح می شود عبارتند از:

۱- تفسیر مذاهب اسلامی از حیثه شفاعت حضرت رسول ﷺ چه می باشد؟ آیا برای اعطای درجه

رستگاران است یا تخفیف عذاب از دوزخیان یا هر دو؟

۲- چه ارتباطی میان مقام شفاعت و مقام شهادت حضرت رسول ﷺ با مقام سایر شفیعان و شهیدان

وجود دارد؟

۳- آیا مقام محمود از ویژگیها و اختصاصات حضرت رسول ﷺ می باشد، یا برای انبیای دیگر هم لحاظ

شده است؟

۴- چه رابطه ای میان مقام محمود رسول اکرم ﷺ با سایر مقامات اخروی آن حضرت وجود دارد؟

۱ - ۶) فرضیه های تحقیق

۱- جایگاه ویژه رسول اکرم ﷺ نزد خداوند متعال، حکمت اعطای این مقامات به رسول اکرم ﷺ

می باشد.

۲- مقام شفاعت و شهادت رسول اکرم ﷺ به نحو تشکیکی بعد از خداوند متعال برتر از مقام سایر

شفیعان و شهیدان است و ایشان علاوه بر امت خود شافع و شاهد سایر پیامبران و امتهایشان نیز

می باشند.

۳- حیثه مقام شفاعت حضرت رسول ﷺ شامل اعطای درجه و تخفیف عذاب می باشد.

۴- مقام محمود با مقام شفاعت فی الجمله متفاوت است.

فصل دوم

بررسی مقام شفاعت پیامبر اکرم ﷺ

مسأله شفاعت از مسائل مهم و اساسی معاد و یکی از مباحث بحث برانگیز میان فرق مختلف اسلام می باشد؛ اهمیت آن وقتی روشن می شود که برخی منکر شفاعت شده و معتقدند شفاعت موجب تجری به گناه می شود؛ و از طرفی دیگر بزخی به امید شفاعت مرتکب گناه می شوند. در این بخش بر آنیم تا تحلیلی از ماهیت شفاعت و حکمت آن را ارائه دهیم.

گفتار اول: شفاعت در لغت و اصطلاح

۱-۱) شفاعت در لغت

لغت پژوهان در ذیل واژه شَفَعَ آورده اند: شین و فاء و عین حروف اصلی هستند که دلالت بر کنار هم بودن دو شیء دارد^(۱)؛ الشفع: جفت، زوج (همان کلمه ای است که مخالف وتر، تک و فرد) می باشد؛ کان و ترأ فشفعته شفعا؛ تک بود من آنرا جفت قرار دادم^(۲)؛ زوج کردن عدد وتر را شفع گویند یعنی ضمیمه کردن عدد فرد بر فرد دیگر^(۳)؛ خداوند عز و جل می فرماید: ﴿وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ﴾^(۴)؛ (قسم به

۱- ر.ک: ابن فارس، احمد، معجم المقاییس فی اللغة، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ هـ- ۱۹۹۹ م)، ج ۱، ص ۶۱۹.
۲- ر.ک: جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، حقه و ضبطه شهاب الدین ابو عمرو، (بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۸ هـ- ۱۹۹۸ م)، ج ۲، ص ۹۵۸.
۳- ر.ک: راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق و ضبط: محمد سید کیلانی، مکتبه المرتضویة، چاپخانه خورشید، چاپ دوم، پائیز ۶۲، ص ۲۶۲؛ نیز نگ: ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، (بیروت: دار صادر، ۱۹۹۷)، ج ۳، ص ۴۵۱؛ المقرئ الفیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، (قم: دار الهجرة، ۱۴۰۵ هـ) ج ۱، ص ۳۱۷.
۴- فجر / ۳.

کس که به آن عمل کند از آن اوست و کسی که روش ناپسندی بنا نهد گناه آن و گناه هر کس به آن عمل کند بر عهده اوست) و نیز حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الشفیع جناح الطالب»^(۱) (شفاعت کننده چونان بال و پر درخواست کننده است)؛ مُشَفَّع کسی را گویند که شفاعت را قبول می کند، مُشَفَّع کسی را گویند که شفاعت او قبول می شود^(۲).

دهخدا می گوید:

شفاعت به معنای خواهش گری است، خواهش کردن، درخواست آمرزش از گناه برای کسی که جنایت و ستم درباره او انجام شده است^(۳).

بنابراین شفاعت از ریشه «شفع» به معنای «جفت» می باشد؛ و در عرف به این معنی است که: شخص آبرومندی از بزرگی بخواهد که از جرم مجرمی درگذرد یا بر پاداش درستکاری بیفزاید؛ پس شخص مجرمی که به تنهایی استحقاق بخشودگی را ندارد یا شخص درستکاری که به تنهایی استحقاق افزایش پاداش را ندارد با ضمیمه شدن و جفت شدن درخواست «شفیع» با درخواست او، چنین استحقاقی برایش پیدا می شود.

حاصل آنکه شفاعت در لغت به معنای وساطت، میانجی گری و پا در میانی کردن در مواردی است که خود فرد به تنهایی توان جلب منفعت یا دفع ضرر را ندارد.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۶۳.

۲- ر.ک: ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۵۲.

۳- ر.ک: دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ گستر، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۴۳۲ الی ۱۴۳۳.

و در جای دیگر می‌نویسد: شفاعت عبارتست از:

رسیدن رحمت و مغفرت خدای سبحان از طریق اولیائش به ویژه رسول اکرم ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان به انسانهای مؤمنی که در دنیا مرتکب معصیت شده‌اند به شرط اینکه با ایمان از دنیا بروند^(۱).

پس به طور کلی شفاعت یعنی انسان خود را با طرف مقابل در حاجت خواستن جفت کند، تا با وی در خواستن حاجت از خداوند، گردآید ولذا شفاعت دعا و درخواستی است از خداوند متعال و طلبی است برای دعای شفیع به سوی خدا، نه اینکه در دعا کسی را با خدا منظور دارد^(۲).

۱- ۲- ۲) شفاعت در اصطلاح مفسرین

فخر رازی در این باره می‌گوید:

شفاعت آن است که کسی برای دیگری بخشیدن چیزی را طلب کند و یا برای او حاجتی بخواهد^(۳).

رشید رضا در بیان حقیقت شفاعت آورده است:

شفاعت این نیست که اراده ازلی خدا در پرتو شفاعت شفیع دگرگون گردد بلکه همان اراده ازلی، پس از دعای شفیع تنفیذ می‌شود^(۴).

علامه طباطبایی ذیل آیه ۴۷ سوره بقره، به تبیین حقیقت شفاعت پرداخته و به طور کامل و با عباراتی ساده جوانب مختلف آن را تشریح کرده است، ایشان می‌گویند:

در حقیقت شخصی که متوسل به شفیع می‌شود نیروی خودش به تنهایی برای رسیدنش به هدف کافی نیست، لذا نیروی خود را با نیروی شفیع گره می‌زند و

۱- سبحانی، جعفر، محاضرات فی الالهیات، (قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، المطبعة القدس، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ هـ ق)، ج ۴، ص ۳۴۴.

۲- ر. ک: قزوینی، محمد حسن، فرقه وهابی و پاسخ به شبهات آنها، نگارش و ترجمه: علی دوانی، ناشر: مرکز فرهنگ نشر قبله، چاپ اتحاد، چاپ پنجم، ۱۳۷۷، ص ۱۲۳.

۳- رازی، فخر الدین، التفسیر الکبیر، (بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ هـ ق - ۱۹۹۰ م)، ج ۳، ص ۵۳.

۴- رشید رضا، محمد، المنار، (بیروت: دار الفکر، الطبعة الثانية، ۱۳۹۳ هـ - ۱۹۷۳ م)، ج ۱، ص ۴۰۸.

میان سبب بعید و مسبب آن^(۱).

ما حصل نظر متکلمان و مفسران در بیان حقیقت شفاعت این است که: شفاعت؛ میانجی‌گری، درخواست و وساطت فرد صاحب آبرو و منزلت در درگاه خداوند متعال است تا از گناهان و خطاهای بندگان درگذرد و یا به درجات ایشان بیفزاید.

با تامل در معنای لغوی و اصطلاحی شفاعت بدست می‌آید که هر دو معنای:

۱- برداشته شدن عذاب. ۲- افزودن پاداش در تعریف لغوی و اصطلاحی آن لحاظ شده است.

۱- ۳) تفاوت شفاعت قرآن با شفاعت بشر

اصل مسأله شفاعت به طور کلی از مسائل متفق علیها میان شیعه و سنی است و در مکتب شیعه می‌توان گفت از ضروریات مذهب است و آیات و روایات بسیاری بر این امر دلالت دارد. «مسأله شفاعت، مسأله جدیدی نیست که اسلام آن را آورده باشد و مخصوص اسلام باشد بلکه در میان امتهای قبلی، مانند بت پرستان و یهودیان، این مسأله و فکر رایجی بوده است»^(۲). پس در بیان اصل شفاعت اشکالی نیست «در ثبوت اصل شفاعت از برای رسول خدا ﷺ و اهل بیت اصفیاء او، حقیقت آن ثابت و به اجماع امت بلکه اعتقاد به حقیقت آن ثابت به ضرورت دین است و منکر آن از دین خارج است؛ و در قرآن و اخبار کثیره صادره از لسان مقام عصمت به آن تصریح شده است و مسلمانان باید به آن ایمان و اعتقاد داشته باشند»^(۳).

دو نمونه از روایات را در اینجا ذکر می‌کنیم:

قال رسول الله ﷺ: «من لم يؤمن بحوضي فلا آورده الله حوضي و من لم يؤمن بشفاعتي فلا أناله الله شفاعتي»^(۴)؛ (کسی که به حوض من ایمان نداشته باشد خداوند او را بر حوض من وارد نمی‌کند و کسی که به شفاعت من ایمان نیاورد پس خداوند شفاعت من را شامل حال او نمی‌کند).

۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲- سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، مؤسسه نشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ هـ.ق، ج ۵، ص ۲۵۹.

۳- ربانی، محمد رضا، حمد ربانی، تصحیح: محمود نجفی (قم: مطبوعات دینی، ۱۳۸۲)، ص ۲۰۷.

۴- صدوق، ابو جعفر. محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه، عیون اخبار الرضا ﷺ، صححه و علق علیه: حسین الاعلمی، (بیروت: منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى، ۱۴۰۴ هـ- ۱۹۸۹ م)، ج ۲، ص ۱۲۵.

بوده و لیکن حالا درخواست کننده زوج شده و در مورد خود طلب و درخواست نیز همین طور است. در حالی که خداوند متعال تنهاست، و هیچکس با او شفاعت نمی‌کند (شریک نمی‌شود)، و نزد او کسی جز به اذن و اجازه او شفاعت نمی‌کند، و زمام اختیار امور همه‌اش به ید قدرت اوست و شریکی ندارد. هنگامی که سرور شفعاء روز قیامت سجده می‌کند و حمد می‌کند خداوند متعال را، خداوند به او می‌گوید: سرت را بالا بگیر، و بگو که شنیده می‌شود، و بخواه که داده می‌شود، و شفاعت کن که پذیرفته می‌شود؛ با این حال خداوند برای داخل کردن امت ایشان در بهشت نیز حدی قرار می‌دهد. پس قدرت از آن خداست، آنچنانکه خود فرموده: ﴿قُلْ إِنْ الْأَمْرُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾^(۱)؛ (بگو: سر رشته کارها یکسره به دست خداست) و نیز فرموده: ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ﴾^(۲)؛ (هیچیک از این کارها در اختیار تو نیست) و نیز فرموده: ﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ﴾^(۳)؛ (آگاه باش که [عالم] خلق و امر از اوست). پس احدی شفاعت نمی‌کند مگر به اذن و اجازه او، و لیکن شفیع را با قبول شفاعتش اکرام می‌کند. در روایات هم بر این نکته تاکید شده است، قال رسول الله ﷺ: «إِشْفَعُوا تُؤْجَرُوا، وَيَقْضِي اللَّهُ عَلَيَّ لِسَانَ نَبِيِّهِ مَا يَشَاءُ»^(۴) (شفاعت کنید اجر داده می‌شوید، مقدر می‌سازد خداوند بر زبان پیامبرش آنچه را بخواهد).

قال رسول الله ﷺ: «يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ، لَا أَمْلِكُ لَكُمْ مِنْ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ، يَا صَفِيَّةَ عَمَّةَ رَسُولِ اللَّهِ لَا أَمْلِكُ لَكَ مِنْ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ، يَا عَبَّاسَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ، لَا أَمْلِكُ لَكَ مِنْ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ»^(۵)؛ (رسول خدا ﷺ فرمود: ای پسران عبد مناف، برای شما چیزی از جانب خدا مالک نیستم، ای صفیه عمه رسول خدا من مالک و اختیاردار از جانب خدا در چیزی برای تو نیستم، ای عباس عموی رسول خدا، من مالک و اختیاردار چیزی برای تو از جانب خدا نیستم).

در نتیجه وقتی بزرگترین و برترین خلایق و افضل شفعاء به نزدیکترین و خاصترین افراد خودش اینگونه می‌گوید که: «من مالک چیزی برای شما نیستم و کاری برای شما نمی‌توانم بکنم [مالک و

۱- آل عمران / ۱۵۴.

۲- آل عمران / ۱۲۸.

۳- اعراف / ۵۴.

۴- قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا) ج ۴، ص ۲۰۲.

۵- همو، همان منبع، ج ۱، ص ۱۹۲.

گفتار دوم: تحلیل حکمت مقام شفاعت در پرتو حقیقت محمدیه ﷺ

برخی در رمزگشایی از حکمت شفاعت گفته‌اند:

شفاعت نوری است که از حضرت الهیت بر جواهر و سایط بین او و بین کسانی که در هاویه بُعد و دوری از خداوند سقوط کرده‌اند تابش نماید^(۱).

فخر رازی حکمت مقام شفاعت را در قالب مثال بیان کرده و می‌گوید:

ذات واجب الوجود عام فیض و تام الوجود است، پس آنجا که این فیض پدید نمی‌آید همانا برای آن پدید نمی‌آید که قابل، مستعد نیست، و جایز است که شیء مستعد قبول فیض از واجب الوجود نباشد مگر اینکه مستعد قبول این فیض از چیزی باشد که آن شیء آن را از واجب الوجود پذیرفته باشد، و این شیء مانند واسطه‌ای میان واجب الوجود و آن چیز نخستین باشد. و مثال آن از عالم محسوس این است که خورشید جز قابل مقابل را روشن نمی‌گرداند، و آسمانه خانه هرگاه که مقابل جرم خورشید نباشد، ناچار در او استعدادی از برای پذیرفتن نور از خورشید نباشد جز اینکه هرگاه طشتی پر از آب صافی بنهند، و نور آفتاب بر آن بتابد، آن نور از آن آب بر سقف بتابد، پس آب پاک واسطه

۱- ر. ک: صدر المتألهین، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح: محمد خواجوی، (قم: بیدار، مطبعة سید الشهداء، چاپ اول، ۱۳۶۱ هـ.ق)، ج ۱، ص ۱۲۵.

خداوند خلق کرد چه بود؟ حضرت فرمودند: نور پیامبرت ای جابر و سپس خلق کرد از آن هر خیری را).
اول افراد بودن حقیقت محمدیه ﷺ از منظر جامی بدین علت است که تمام اشیاء از محسوس و معقول و موهوم و ... همه به واسطه حقیقت محمدیه ﷺ وجود پیدا کرده‌اند.

در آخر جامی مقایسه‌ای بین آدم ﷺ و حضرت محمد ﷺ می‌کند که به شرح ذیل است:

۱- خداوند به آدم ﷺ اسماء تمام اشیاء را تعلیم داد و به محمد ﷺ مسمیات آن اسماء را تعلیم داد، آدم ﷺ مظهر اسماء است. محمد ﷺ مظهر ذوات و اسماء داخل در ذوات است، در این صورت آدم ﷺ علم الاسماء است، محمد ﷺ عین الاسماء است.

۲- آدم ﷺ حافظ اسماء علی الذوات است و محمد ﷺ حافظ ذات با اسماء [اسماء عالم اجسام هستند، ذوات عالم ارواح می‌باشند].

اسم آدم از جمله اسماء و ذوات او نیز از جمله ذوات است همان طور که اسم محمد ﷺ از جمله اسماء و ذاتش از جمله ذوات است. آدم ﷺ پدر اسماء است و محمد ﷺ پدر ذوات و اسماء صدر کلمات هستند. اما ابو الذوات و الاسماء حضرت محمد ﷺ بدین شرح است که اسماء از ارواح، ارواح از نور محمد ﷺ پدید می‌آید و نور محمد ﷺ از نور الله پدید می‌آید^(۱). رهاورد این مقایسه ارجحیت، افضلیت و اکملیت حضرت محمد ﷺ بر آدم ﷺ، بلکه بر جمیع انبیاء و اولیاء است.

۲-۲) حقیقت محمدیه ﷺ از منظر ملاهادی سبزواری

از نظر او حقیقت محمدیه ﷺ دارای مقام والایی است چنانکه در حدیث مشهور است: «لی مع الله وقت لا یسعه ملک مقرب»^(۲)؛ (مرانزد خدا جایگاهی است که ملک مقرب هم به آن نمی‌رسد). او صاحب مقام ﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾^(۳)؛ (پس نزدیک آمد و نزدیکتر شد تا [فاصله‌اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد)؛ است و حتی از طریق برهان عقلی و دلیل نقلی ثابت شده که مقام ایشان بالاترین مقام‌هاست و مرتبت ایشان بعد از حق در اقصی‌نهایت است.

۱- ر. ک: جامی نابلسی، عبد الرحمان، شرح فصوص الحکم، بی نا، مطبعة الزمان، ۱۳۰۴ هـ، ص ۳۰۷-۳۰۹.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۶۰ و ج ۷۹، ص ۲۴۳.

۳- نجم / ۹ و ۸.

نام احمد، نام جمله انبیاست چون که صد آمد، نود هم پیش ماست»^(۱)

پس شناسایی این حقیقت، شناسایی حق است و التجای به او التجای به حق است. و این حقیقت کامله را باید در وارثان او و اولیاء حق جستجو کرد چنانکه در کتاب مقالات آمده است: «انبیاء علیهم السلام همه معرف یکدیگرند. سخن انبیاء شارح و مبین همدیگر است. بعد از آن یاران گفتند که: یا رسول الله ﷺ هر نبی معرف من قبله بود اکنون تو خاتم النبیین، هستی معرف تو که باشد؟» گفت: «من عرف نفسه فقد عرف الله»^(۲)؛ (هر کس خودش را بشناسد، خدا را شناخته) یعنی «من عرف نفسي فقد عرف ربی»^(۳)؛ (هر کس مرا شناخت پروردگارم را شناخته)، یعنی محمدیان من جمیع الوجوه معرف حال و قال محمدند»^(۴).

۲ - ۳) رابطه حقیقت محمدیه ﷺ با حضرت محمد ﷺ

تعریف و توضیحاتی که در مورد حقیقت محمدیه ﷺ گذشت، به وضوح مقام عظمت و بزرگی حقیقت محمدیه ﷺ را در بین تمام مخلوقات آشکار می‌سازد، او اولین تعین و جلوه ظهور باری تعالی است که بالاتر از آن مرتبه‌ای جز مرتبه ذات الهی نیست.

برای تبیین رابطه حقیقت محمدیه ﷺ با حضرت محمد ﷺ ذکر مراتب استقرار وجود پیامبر ﷺ ضروری به نظر می‌رسد که بدین شرح است: «پیامبر اکرم ﷺ قبل از وجود عینی و وجود کونی بین یدی ربّه العلی بوده سپس در لوح و قلم سپس در سرادقات جلال و حجب کبریاء سپس در عرش و کرسی سپس در آسمانهای هفتگانه تا اینکه به عالم سفلی فرود آمد سپس اراده صعود کرد و در آدم ﷺ استقرار یافت و از نبی به نبی دیگر یا وصی دیگر منتقل شد تا اینکه به صورت کونیه که رحمت للعالمین است ظاهر شد، ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^(۵)؛ (و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم).

۱ - زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی معنوی، (تهران: اطلاعات چاپ سوم، ۱۳۷۵)، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲ - جعفر بن محمد الصادق ﷺ، مصباح الشریعة، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ هـ ق، ص ۱۳؛ نیز نگ: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۹۹.

۳ - مجلسی، همان منبع، ج ۶۶، ص ۲۴.

۴ - تبریزی، شمس الدین محمد، مقالات شمس، تعلیق و تصحیح: محمد علی موحد، (تهران: خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۷۷ هـ)، ص ۷۵.

۵ - انبیاء / ۱۰۷.

چون أنا الرزاق، أنا الشافی و از این قبیل شنیده شود و یا عملی از این قبیل در آنها دیده شود جز از آن سخن و کار صاحب آینه نیست^(۱).

اما رأی أصلح آن است که بین حقیقت محمدیه ﷺ و حضرت رسول ﷺ جمع شود. بدین نحو که حقیقت محمدیه ﷺ همان حضرت رسول اکرم ﷺ نیست بلکه حقیقتی کلی و بس فراگیر است که در تمام هستی از ما کان و ما یكون سریان دارد و همه هستی طفیل وجود اویند، این روح اعظم یا همان حقیقت محمدیه ﷺ گاهی به خلقت آدم و گاه دیگر در لباس موسی یا عیسی یا ابراهیم عليه السلام ظهور کرده است. و سرانجام در وجود جسمانی حضرت محمد ﷺ به نحو اکمل و اتم در عالم هستی به ظهور رسیده است. و چنانکه الله اسم اعظم است و مجموع اعتدالی اسماء و صفات الهی است، حقیقت محمدیه ﷺ صورت آن اسم عظیم است و حضرت محمد بن عبد الله ﷺ نیز مصداق اتم و اکمل حقیقت محمدیه ﷺ است که مجموع اعتدالی اسماء و صفات الهی است.

از آنجا که حقیقت محمدیه ﷺ حقیقة الحقایق همه اشیاست بنابراین او مبدأ و معاد و اصول و فروع همه اشیاست. و به همین جهت است که بعثت حضرت محمد ﷺ جامع جمیع بعثتهاست. و شریعتش نیز جامع شرایع، طریقتش نیز جامع طرق، و حقیقت او نیز جامع جمیع حقائق است^(۲)، پس حقیقة الحقائق همه اشیا همان روح القدس اعلی، شمس الضحی و حقیقت محمدیه ﷺ است^(۳). حقیقت الحقائق از منظر ابن عربی بدین شرح است:

حقیقة الحقائق از مترادفات انسان کامل است و آن عبارت است از حقیقت معقوله ای که در ذاتش جمیع ماهیات معقوله حق و خلق را دارد. پس او مجموع ماهیات دو حضرت الهی و کونی است و بدین صورت او اصل عالم است^(۴).

و همچنین «از آنجایی که الله به حقیقت و مرتبت مقدم بر جمیع اسماء است، و ظهور و تجلی به

۱- جوادی آملی، عبد الله، تحریر تمهید القواعد، انتشارات الزهراء، چاپ: مؤسسه علامه طباطبایی، زمستان ۷۲، ص ۴۲۶.

۲- ر.ک: صدر المتألهین، تفسیر القرآن الکریم، ج ۵، ص ۳۴۱.

۳- ر.ک: همو، همان منبع، ج ۱، ص ۴۷۷.

۴- ابن عربی، اکبر مجیبی الدین، فتوحات مکیه، (بیروت: دار الصادر، بی تا)، ج ۲، ص ۴۲۳.

چنانکه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت کرده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: حق تعالی افضل و گرامی تر از من نیافریده است، مولای متقیان می فرماید: که من عرض کردم یا رسول الله صلی الله علیه و آله، تو افضل خواهی بود یا جبرئیل، فرمود: یا علی، حق تعالی پیغمبران مرسل خود را به ملائکه مقربین فضیلت داده است و مرا بر جمیع پیغمبران از مرسل و غیر مرسل فضیلت داده،... یا علی اگر ما نبودیم حق تعالی آدم، بهشت و جهنم، آسمان و زمین را نمی آفرید. پس چگونه ما افضل از ملائکه نباشیم و حال اینکه ما بر ملائکه در معرفت پروردگار، تسبیح و تهلیل و تقدیس او سبقت گرفتیم، زیرا که اول چیزی که حق تعالی آفرید، ارواح ما بود^(۱).

پس اشرف ممکنات بودن حقیقت محمدیه صلی الله علیه و آله با اشرف مخلوقات بودن او حتی از ملائکه در تضاد نیست، زیرا او در آغاز اقبال و ادبار عقل اول، جوهر اول بود و اوست قائل سر سلسله علت و معلول و فاتح دروازه رحمت و وجود و واسطه حق در وجود^(۲).

در روایتی آمده: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اول ما خلق الله نوري... ثم خلق العرش واللوح والشمس وضوء النهار، ونور الأبصار والعقل والمعرفة...»^(۳)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: (اول چیزی که خداوند آفرید نور من بود... سپس عرش و لوح و شمس و روشنایی روز و نور دیدگان و عقل و معرفت را بیافرید...).

که در این حدیث صریحاً خلقت عقل را بعد از وجود مبارک حقیقت احمدی صلی الله علیه و آله ذکر می نماید. از میان انسانها، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مظهر خلافت کلی الهی و ربوبیت مطلقه است که تمام دایره های خلافت و ولایت از مظاهر خلافت کبرای اوست. او اول و آخر و

۱ - صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، علل الشرایع، (بی جا، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۶ هـ ق)، ص ۱۵۰.

۲ - ر. ک: صدر المتألهین، تفسیر القرآن الکریم، ج ۴، ص ۷۷.

۳ - حسینی مرعشی، محمد باقر، الرواشح السماویه فی الاحادیث الامامیه، (قم: مکتبه السیّد المرعشی النجفی، ۱۴۰۵ ق)، ص ۲۵؛ نیز نگ: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۲.

جَبَّار وارد می شوم). و «او با مقام محمودش، شفاعت کبرای روز محشر را دارد. نه، بلکه مقام محمودش، شفاعت کبرای او را بآنزد اهل حشر و نشر ساخته که: ﴿عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^(۱)؛ (امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند). یعنی او شفیع شافعان و شاهد همه شاهدان است: «... و شهیدک یوم الدین...»^(۲)؛ (و شاهد روز رستاخیز)»^(۳). و مقام محمود به حضرت رسول ﷺ اختصاص دارد هم او فردا در مقام محمود، بساط شفاعت گسترده، می گوید: «امتی، امتی» تا آنجا که این عطیة الهی به اوج مقام رضا بار یابد که: ﴿وَأَسْوَفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ﴾^(۴)؛ (و به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد کرد، تا خرسند گردی)^(۵).

او سایه حق است و نور وجود منبسطش، عموم و شمول او نسبت به جمیع امم، انبیاء و اوصیاء و حتی سریان و حدت وجود عام و تام او در کثرات موجودات را موجب گردیده است. پس منزلت او نسبت به آنها به منزله علت به معلول است و علت از جمیع جهات محیط به معلول است^(۶).

بنابراین حقیقت محمدی ﷺ جامع جمیع مراتب کمال و رسالت است. و به موجب حدیث، عبد الله بن شقیق عن میسرة قال: «قلت: یا رسول الله، متى کنت نبیاً؟ قال: و آدم بین الروح والجسد»^(۷). نبوت وی بر نبوت آدم و ذریت او سابق بود، و اولین موجود بود به موجب حدیث «أول ما خلق الله نوری»^(۸)؛ (اولین چیزی که خداوند آفرید نور من بود). و پیش از همه پیامبران در ظهور آمد، به مفاد حدیث «كنت

۱- اسراء / ۷۹.

۲- نهج البلاغه / خطبه ۷۲.

۳- حسنی، حسین، جلوه های عرفانی صدر الاولین والآخرین، (تهران: بنیاد حکمت اسلامی ملا صدرا، ۱۳۸۱)، ج ۱۰، ص ۳۲۸-۳۲۹.

۴- ضحی / ۵.

۵- ر. ک: میبیدی، ابو الفضل رشید الدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، (تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ سپهر، چاپ سوم، ۱۳۶۱ ه. ش)، ج ۶، ص ۳۴۲.

۶- صدر المتألهین، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۷۳.

۷- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۷۸.

۸- همو، همان منبع، ج ۲۵، ص ۲۲ و ج ۵۴، ص ۱۷۰؛ نیز نگ: الطبرانی، ابی القاسم سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر (قاهره، مکتبة ابن تیمیة، چاپ دوم، بی تا)، ج ۲۰، ص ۳۵۳.

از مجموع مطالب ارائه شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که پیامبر ﷺ دارای چنین ویژگی است:

«الف: پیامبر اکرم ﷺ اشرف موجودات است پس مُطَّلَع بر علوم الهی، و عالم به حقایق اشیاء از مبدأ اعلی و ملکوت علوی و سفلی است من جمله او عالم به حقیقت نفس با هر دو جزء علمی و عملی است، عالم به احوال خلایق در دار آخرت و رجوع کل به واحد قهار است، و نوع علم او مستفاد از الهام الله و به طریق کشف روحی و القاء سبوحی است، نه به وسیله تعلم بشری و تعمل فکری.

ب: او جوهر نبوت، جامع نشأت سه‌گانه حسی و مثالی و عقلی است. پس به طور مسلم سیادت عظمی و ریاست کبری و خلافت الهی در تمام عوالم برای او ثابت است. پس او با این خصایص مأمور به اصلاح نوع آدمی، و امر و نهی تشریحی آنها می‌شود، بنابراین مقام شارع و رسول و نبی برای وجود پیامبر ﷺ مسلم است»^(۱).

حاصل آنکه حقیقت محمدیه ﷺ، همان عقل اول و مخلوق نخست و در واقع واسطه ایجاد عوالم است هم در قوس نزول و هم در قوس صعود، و در لباس جسمانی بشری با نام محمد بن عبد الله ﷺ که ثمره نهایی خلقت است می‌باشد، بنابراین حقیقت و جودی رسول اکرم ﷺ، حقیقتی است که حاکم بر دنیا و آخرت و مافوق آن می‌باشد و لذا از لوازم آن حکومت‌های سه‌گانه برخوردار است و در هر اقلیمی از وجود به فراخور، دارای قدرت تصرف در آن است و چون مرجع کمالات هم می‌باشد، فیض حضرت حق بدون واسطه ایشان به سایر نفوس نمی‌رسد. لذا با توجه به این ویژگیها، حضرت رسول ﷺ شایستگی احراز این مقامات (محمود، شفاعت، شهادت، لواء حمد، حوض کوثر، مقام وسیله و...) را در روز قیامت از طرف خداوند متعال دارا می‌باشند.

۱ - صدر المتألهین، تفسیر القرآن الکریم، ج ۷، ص ۱۵۱ - ۱۵۴.

شده که به خداوند عرضه داشت ﴿إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^(۱)؛ (اگر عذابشان کنی، آنان بندگان تو اند و اگر برایشان ببخشایی تو خود، توانا و حکیمی). و نظیر آنچه درباره حضرت ابراهیم آمده ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۲)؛ (هر که از من پیروی کند، بی گمان، او از من است، و هر که مرا نافرمانی کند، به یقین، تو آمرزنده مهربانی). و یا آنچه در مورد حضرت یعقوب وارد شده که فرزندانش به وی عرض کردند: ﴿يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾^(۳)؛ (ای پدر، برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطا کار بودیم). و او چنین پاسخ داد: ﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^(۴)؛ (به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می خواهم، که او همانا آمرزنده مهربان است).

۳- توبه: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾^(۵)؛ (مسئلاً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی بخشد و غیر از آن را برای هر که بخواهد می بخشد).

۴- دعای مؤمنان: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا...﴾^(۶)؛ (و نیز کسانی که بعد از آنان [مهاجران و انصار] آمده اند [و] می گویند: «پروردگارا ما و برادرانمان را ببخشای...»).

۵- قرآن: ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾^(۷)؛ (خدا هر کسی را که از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راههای سلامت رهنمون می شود). کسی که تابع قرآن شود خداوند راههای نجات را به او نشان می دهد.

۶- ایمان: علامه طباطبایی برای شفاعت ایمان آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ... وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۸)؛ (ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید... و

۱- مائده / ۱۱۸؛ و نیز نگ: نساء / ۶۴.

۲- ابراهیم / ۳۶.

۳- یوسف / ۹۷.

۴- یوسف / ۹۸.

۵- نساء / ۴۸ و ۱۱۶ و نیز نگ به: توبه / ۸۰؛ شعراء / ۱۳۶؛ بقره / ۶؛ توبه / ۱۱۳؛ زمر / ۵۳ و ۵۴.

۶- حشر / ۱۰.

۷- مائده / ۱۶.

۸- حدید / ۲۸؛ نیز نگ احقاف / ۳۱.

الْجَنَّةَ... ﴿١﴾؛ (و اهل اعراف، ندا می دهند... آیا اینان همان کسانی نبودند که سوگند یاد می کردید که خدا آنان را به رحمتی نخواهد رسانید؟ [اینک] به بهشت درآید).

۳- قرآن: از برخی روایات بدست می آید که یکی از شفیعان روز قیامت قرآن است، در روایتی آمده خداوند تبارک و تعالی ندا می دهد: «یا حجتی فی الأرض وکلامی الصادق الناطق ارفع رأسک و سَلْ تُعْطَ و اشفع تشفع...» ﴿٢﴾؛ (ای حجتم روی زمین و کلام صادق و ناطقم سرت را بالا بگیر و درخواست کن که عطا می شود به تو و شفاعت کن که پذیرفته می شود...).

۴- شاهدان: ﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ ﴿٣﴾؛ (و کسانی که به جای او می خوانند [و می پرستند] اختیار شفاعت ندارند، مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند).

۵- مؤمنان: از انضمام آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ﴾ ﴿٤﴾؛ (و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده اند، آنان همان راستگویانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان) به آیه ﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ... الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ...﴾ نتیجه گرفته می شود که مؤمنان نیز از شفیعان روز قیامت هستند و مؤمن از باب اینکه شاهد حق است شفاعت می کند، نه از باب صرف ایمان ﴿٥﴾.

۶- پیامبران: ﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ... وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى﴾ ﴿٦﴾؛ (و گفتند: «[خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده است». منزّه است او بلکه [فرشتگان] بندگانی ارجمندند... و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد، شفاعت نمی کنند).

۱- اعراف / ۴۸- ۴۹.

۲- فیض کاشانی، محمد محسن، وافی، تحقیق و تصحیح: ضیاءالدین علامه، (اصفهان: مکتبه الإمام المؤمنین علی ع، چاپ نشاط، ۱۴۰۶ هـ)، ج ۵، ص ۱۶۹۴.

۳- زخرف / ۸۶.

۴- حدید / ۱۹؛ و نیز نگ: زخرف / ۸۶.

۵- ر. ک: جوادی آملی، عبد الله، تسنیم، ج ۴، ص ۲۵۳.

۶- انبیاء / ۲۶- ۲۸.

ستم کرده بودند، پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد، قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند).

۲- در آیه ای حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به عموی خود آذر می گوید: برای تو از پروردگارم طلب آمرزش خواهم کرد ﴿قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا﴾^(۱)؛ (ابراهیم) گفت: درود بر تو باد، به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می خواهم، زیرا او همواره نسبت به من پر مهر بوده است).

۳- در آیه ای فرشتگان برای زمینیان طلب آمرزش می کنند: ﴿وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^(۲)؛ (و [حال آنکه] فرشتگان به سپاس پروردگارشان را تسبیح می گویند و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می طلبند. آگاه باش، دز حقیقت خداست که آمرزنده مهربان است).

۴- طلب آمرزش گناهان توسط حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا﴾^(۳)؛ (پروردگارا، بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید، و بر مردان و زنان با ایمان ببخشای، و جز بر هلاکت ستمگران میفزای).

۵- طلب آمرزش گناهان برای کسانی که ایمان آورده اند: ﴿وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾^(۴)؛ (و برای کسانی که ایمان آورده اند طلب آمرزش می کنند: پروردگارا، رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دازد؛ کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده اند ببخش و آنها را از عذاب آتش نکه دار).

۶- از زبان مهاجران بعد از فتح مکه که طلب آمرزش از خداوند می کنند: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾^(۵)؛ (و [نیز] کسانی که بعد از آنان [مهاجران و انصار] آمده اند و می گویند: پروردگارا بر ما و بر آن

۱- مریم / ۴۷.

۲- شوری / ۵.

۳- نوح / ۲۸.

۴- غافر / ۷.

۵- حشر / ۱۰.

شفاعت کنند یا [ممکن است به دنیا] باز گردانیده شویم، تا غیر از آنچه انجام می دادیم انجام دهیم؟» به راستی که [آنان] به خویشتن زیان زدند، و آنچه را به دروغ می ساختند از کف دادند).

- بت های مصنوعی عرب جاهلی حق شفاعت در روز رستاخیز را ندارند و آنها پست تر از آند که درباره پرستندگان خود شفاعت نمایند^(۱).

﴿... وَمَا تَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَ كُفَّ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَؤَا لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾^(۲)؛ (... و شفیعانی را که در [کار] خودتان، شریکان [خدا] می پنداشتید با شما نمی بینم. به یقین، پیوند میان شما بریده شده، و آنچه را می پنداشتید از دست شما رفته است).

طبرسی ذیل این آیه می گوید: آن بت هایی که گمان می کردید در کار و سرنوشت شما با شما شریکند و شما را در روز قیامت، در پیشگاه خدا شفاعت می کنند، همراه شما نیستند^(۳).

آیات ذکر شده وجود هرگونه شفاعت و یا شفیع را برای بت پرستان، مشرکان و کفار رد می کند و عقاید پوچ آنان را باطل می کند و بیان می دارد که شافعان خیالی دارای هیچگونه قدرت و توانایی نیستند تا بتوانند وساطتی نمایند.

- «پندارهای بیهوده یهود پیرامون شفاعت باطل و بی اساس نیز موجب می شد تا، آنان تصور کنند که چون فرزندان پیامبران هستند هر اندازه هم مجرم باشند، مورد شفاعت نیاکان خود قرار خواهند گرفت، و نیز تصور می کردند که برای گناهان می توان فداء و بدل تهیه نمود همان طور که در این جهان گاهی می توان از طریق رشوه و پارتی و هدایا و تحف، جرائم را از بین برد و افکار را دگرگون ساخت»^(۴).

قرآن برای کوبیدن این افکار غلط چنین می گوید: ﴿وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾^(۵)؛ (و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی کند؛ و نه از او شفاعتی پذیرفته، و نه به جای وی بدلی گرفته می شود؛ و نه یاری

۱- ر. ک: ملکی میانجی، محمد باقر، مناهج البیان، ج ۳، ص ۱۱؛ نیز نگ: سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۵۲.

۲- انعام / ۹۴.

۳- ر. ک: طبرسی، فضل، مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۱۵.

۴- همو، همان منبع، ج ۱، ص ۲۰۰؛ نیز نگ: طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱، ص ۱۵۹؛ سبحانی، همان منبع، ص ۵۱.

۵- بقره / ۴۷ و ۴۸؛ و نیز نگ: انبیاء / ۲۸؛ بقره / ۱۲۲ و ۱۲۳.

سوی او بازگردانده می شوید).

۲- اثبات اصل شفاعت که منوط به اذن خداوند است: الف: آیاتی که تصریح دارد شفاعت به اذن الهی شامل افراد پسندیده خدا می شود. «گروهی از بندگان خدا بدون آنکه لازم باشد در این جا از نام و خصوصیات آنها آگاه باشیم تحت شرایطی که مهم ترین آنها اذن خداوند است؛ در مورد افراد محدودی که مورد انتخاب و رضایت خدا می باشند، شفاعت می نمایند و وساطت آنها پذیرفته می شود و یک چنین شفاعت محدود و مشروط آنهم به اذن خداوند در مورد بندگان خاص با مختص بودن شفاعت به خدا تضادی ندارد»^(۱). که در قرآن به آنها اشاره شده ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...﴾^(۲)؛ (کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟...). و به طور کلی آیاتی که شفاعت را جز به اذن خدا جایز نمی دانند و آیاتی که شفاعت را نفی نمی کنند همگی شفاعت را به درگاه الهی با شرایطی اثبات می کنند «شفاعت ثابت شده، شفاعتی است که با اجازه و امر الهی باشد، خواه در دنیا یا برزخ و بعد از آن در آخرت و جایگاههای مختلف و نهایی از آخرت. گناهکاران فقط به امر الهی مورد شفاعت قرار می گیرند و شفاعت کنندگان هم تنها با اجازه الهی می توانند شفاعت کنند و این است عبودیت حقیقی و توحید خالص»^(۳).

ب: مفسران بر اساس روایات خاصه و عامه، دو آیه ﴿عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^(۴)؛ ﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ﴾^(۵)، را به شفاعت تفسیر کرده اند. اما با تأمل در روایات پیرامون مقام محمود و مقایسه آن با روایات مربوط به شفاعت بدست می آید که شفاعت کبرای حضرت رسول ﷺ تنها یکی از مصادیق مقام محمود می باشد. [توضیح بیشتر در این باره در فصول بعدی خواهد آمد].
حاصل آنکه میان آیات نفی و اثبات اختلافی نیست زیرا آیات نافی ناظر بر رد عقاید بت پرستان و اقوام مشابه آنهاست ولی آیات اثبات ناظر بر شفاعت صحیح می باشد که مبتکر آن قرآن و شرح دهنده

۱- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۵۳.

۲- بقره / ۲۵۵؛ نیز نگ به: یونس / ۳، مریم / ۸۷؛ طه / ۱۰۹؛ سبأ / ۲۳؛ زخرف / ۸۶؛ نجم / ۲۶.

۳- ملکی میانجی، محمد باقر، مناهج البیان، ج ۳، ص ۲۴۰.

۴- اسراء / ۷۹.

۵- ضحی / ۵.

و ادله نفی راجع به هنگام مردن.

بنابراین جمع بین نفی و اثبات از لحاظ استقلال و مأذون بودن بهترین راه جمع است، ولی منافات با اختصاص شفاعت به تحوّل درونی مشفوع له ندارد بلکه مناسب با آن است، گرچه این تحول از راه کسب اختیاری بدست نمی آید^(۱).

به نظر می رسد وجه اول و دوم نسبت به سایر وجوه برای رفع توهم تعارض میان آیات شفاعت کاملتر و بهتر باشد.

- در تکمیل این بحث لازم است اشاره کنیم کسانی که می خواهند در درگاه الهی شفاعت کنند باید دارای شرایطی باشند از آن جمله :

الف: اذن الهی [پس غیر مأذونان از جانب خداوند حق شفاعت ندارند] ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...﴾^(۲)؛ (کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟).

ب: شفیع باید در نزد خداوند صاحب عهد باشد ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾^(۳)؛ ([آنان] اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کسی که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است).

ج: شهادت به حق، که همان شهادت به وحدانیت حق است و مصادیق آن: انبیاء، فرشتگان و کتابهای الهی و... هستند ﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^(۴)؛ (و کسانی که به جای او می خوانند [و می پرستند] اختیار شفاعت ندارند، مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند).

د: سخن او با چیزی که موجب سخط و غضب الهی شود همراه نباشد ﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾^(۵)؛ (در آن روز، شفاعت [به کسی] سود نبخشد، مگر کسی را که [خدای]

۱- جوادی آملی، عبد الله، تسنیم، ج ۴، ص ۲۴۲- ۲۴۱.

۲- بقره / ۲۵۵؛ نیز نگ: نجم / ۲۶؛ طه / ۱۰۹.

۳- مریم / ۸۷.

۴- زخرف / ۸۶.

۵- طه / ۱۰۹.

گفتار چهارم: بررسی تردیدها و شبهات پیرامون شفاعت

۴- ۱) شبهات مطروحه در مسأله شفاعت

شفاعت همچون سایر مسایل ارزشی و عقیدتی دیگر از انتقادهای بی پایه مصون نمانده و شبهات و اشکالاتی هر چند بی اساس را بر آن وارد کرده‌اند^(۱). که این شبهات عقلی است و از آنجا که شفاعت مانند معاد نیست تا ضرورت وقوع آن با عقل قابل اثبات باشد، بلکه از طریق عقل، می‌توان تنها امکان آن را اثبات کرد. به سراغ شبهات آن می‌رویم تا پس از پاسخ به آن و اثبات امکان عقلی شفاعت، روشن شود که آنچه را قرآن صادق مصدق و عترت طاهرین علیهم‌السلام از آن خبر داده‌اند حق و ایمان به آن واجب است^(۲).

آنچه به عنوان ایراد بر شفاعت گفته شده و یا می‌توان گفت از این قرار است:

- ۱- شفاعت با توحید در عبادت منافات دارد و اعتقاد به آن نوعی شرک است. این همان اشکالی است که وهابیه مطرح می‌کنند و جمعی وهابی مسلک در میان شیعه نیز فریفته آن شده‌اند.
- ۲- شفاعت نه تنها با توحید در پرستش نمی‌سازد، بلکه با توحید ذاتی نیز ناساگار است زیرا لازمه اعتقاد به شفاعت این است که رحمت و شفقت شفیع، بیشتر و وسیعتر از رحمت خدا دانسته شود؛ چه،

۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک: رشید رضا، محمد، المنار، ج ۱، ص ۳۰۷ به بعد.

۲- برای مطالعه بیشتر ر.ک: جوادی آملی، عبد الله، تسنیم، ج ۴، ص ۲۶۳؛ نیز نگ: حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیة فی شرح عقاید الامامیه، (بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م)، ج ۲، ص ۴۱۰.

۱- شفاعت نه با توحید در عبادت منافات دارد و نه با توحید ذاتی، زیرا رحمت شفیع چیزی جز پرتوی از رحمت خدا نیست و انبعاث شفاعت و رحمت هم از ناحیه پروردگار است. (جواب اشکال اول و سوم).

۲- همانطوری که اعتقاد به مغفرت خدا موجب تجری نمی‌گردد و تنها ایجاد امیدواری می‌کند، اعتقاد به شفاعت هم موجب تشویق به گناه نیست. توجه به این نکته که شرط شمول مغفرت و شفاعت، مشیت خدا و رضای او است روشن می‌کند که اثر این اعتقاد تا این اندازه است که دلها را از یاس و نومیدی نجات می‌دهد و همواره بین خوف و رجائنگه می‌دارد. (جواب اشکال دوم)

۳- شفاعت بر دو نوع است: باطل و صحیح. علت اینکه در برخی از آیات قرآن شفاعت مردود شناخته شده و در برخی دیگر اثبات شده است وجود دو نوع تصور از شفاعت است؛ قرآن خواسته است اذهان را از شفاعت باطل، متوجه شفاعت صحیح بفرماید. (جواب اشکال چهارم)

۴- شفاعت با اصل عمل منافات ندارد؛ زیرا عمل به منزله علت قابل، و رحمت پروردگار به منزله علت فاعلی است. (جواب اشکال پنجم)

۵- در شفاعت صحیح، تصور اینکه خدا تحت تاثیر قرار گیرد وجود ندارد، زیرا شفاعت صحیح جریانی است از بالا به پائین. (جواب اشکال ششم)

۶- در شفاعت، و همچنین در مغفرت استثناء و بی‌عدالتی وجود ندارد؛ رحمت پروردگار نامحدود است و هر که محروم است از آن جهت است که قابلیت را به کلی از دست داده است؛ یعنی محرومیت از ناحیه قصور قابل است. (جواب اشکال هفتم)

گفت: بارالها آنگاه که مرا خلق کردی و در من از روحت دمیدی سرم را بلند کردم و پایه‌های عرش را دیدم که بر آن نوشته شده بود: «لا إله إلا الله محمد رسول الله» پس فهمیدم که نامی را به نام خودت نزدیک نمی‌کنی مگر آنکه از همه خلق نزدت محبوب‌تر باشد. خدای تبارک و تعالی فرمود: راست گفתי ای آدم همانا او محبوب‌ترین مخلوقات نزد من است به من، به او تو را بخشیدم و اگر محمد ﷺ نبود تو را خلق نمی‌کردم»^(۱). از این حدیث می‌توان فهمید که حضرت آدم ﷺ برای جلب رضایت الهی در مورد آن لغزش، به رسول اکرم ﷺ متوسل شده و با نام حضرتش به درگاه خداوند تقرّب می‌جوید.

۵-۲) شفاعت رسول اکرم ﷺ در زمان حیات

احمد بن حنبل و ترمذی و ابن ماجه و بیهقی از عثمان بن حنیف روایت کرده‌اند که مردی نابینا نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: از خدا بخواه که مرا عافیت بخشد گفت: اگر خواهی دعا کن و اگر خواهی صبر کن برایت بهتر است. گفت: پس از خدا بخواه، حضرت به او فرمودند که وضوی نیکو بگیرد و این دعا را بخواند: «اللهم إني أسألك وأتوجه إليك بنبيك محمد نبي الرحمة، يا محمد إني توجهت بك إلى ربي في حاجتي لتقضي لي، اللهم شفعه في»؛ (پروردگارا من از تو درخواست می‌کنم و رو به سوی تو آورده‌ام با پیامبرت محمد ﷺ، ای محمد با عنایت به تو رو به سوی خدا آورده‌ام در بر آمدن حاجتم که برایم برآوری، بار خدایا واسطه‌گری او را [در حق من] بپذیر).

بيهقي و ترمذی بر این مطلب صحه گذارده‌اند^(۲).

بر طبق این روایت رسول اکرم ﷺ دعایی را به آن مرد آموزش داد تا او بتواند به وسیله آن حضرت محمد ﷺ را به عنوان شفیع خود قرار دهد تا خداوند به واسطه حرمتی که حضرتش به درگاه خداوند متعال دارد شفاعتش را پذیرفته و آن شخص را شفا دهد.

و از آیه: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَّمَثْوَاكُمْ﴾^(۳)؛

۱- حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک، تحقیق: یوسف مرعشلی، (بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۶ هـ)، ج ۲، ص ۶۱۵.
۲- ر.ک: ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، تحقیق: عبد الوهّاب عبد اللطیف، (بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ هـ ق)، ج ۱۳، ص ۱۸۰؛ نیز نگ: سمهودی، علی بن احمد، وفاء الوفاء، تعلیق: محمد محیی‌الدین عبد المجید، (بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۴ هـ- ۱۹۸۴ م)، ج ۴، ص ۱۲۷۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۰.
۳- محمد / ۱۹.

حاصل سخن

شفاعت به مفهوم درست و اساسی آن یک حقیقت قرآنی و روایی است، و همه پیروان اسلام بر شفاعت رسول اکرم ﷺ در روز قیامت اتفاق نظر دارند، گرچه در چگونگی آن، دیدگاهها متفاوت است، همچنین به اعتقاد ما (شیعه)، شفاعت یک اصل قرآنی و اسلامی است؛ همانگونه که به اذن خدا و فرمان او، یک حق تردیدناپذیر برای پیامبر ﷺ است.

علاوه بر این یاران راستین و برگزیده آن حضرت ﷺ یعنی امامان نور ﷺ و در درجات پائین تر ایمان داران راستین و پرواپیشگان و صالحان حقیقی نیز به اذن خدا از این مقام برخوردارند، و خداوند به شفاعت ایشان، بسیاری را از عذاب و کیفر عملکردشان رهایی می بخشد.

دیدگاه ما را آیات قرآن و روایات که به برخی از آنها پیش از این اشاره شد و برخی در بخش بعد به تناسب بحث خواهد آمد تائید و تاکید می کنند. یک نمونه از این آیات و روایات را در اینجا می آوریم.

قال رسول الله ﷺ :

«إِنِّي أَشْفَعُ فَأُشْفَعُ وَيُشْفَعُ عَلَيَّ فَيُشْفَعُ وَاهِل بَيْتِي يَشْفَعُونَ فَيُشْفَعُونَ وَإِنْ أَدْنَى
المؤمنين ليشفع في أربعين من إخوانه...»^(۱)؛

(روز رستاخیز که فرارسد، من شفاعت می کنم و به خواست خدا پذیرفته می شود، و امیر مؤمنان شفاعت می کند و مورد قبول قرار می گیرد؛ پس خاندان من به اذن خدا شفاعت می کنند و شفاعت آنان نیز پذیرفته می شود؛ و آن گاه نوبت به ایمان داران و شایستگان می رسد، که شفاعت کنند و شفاعت آنان در درجه پائین تری پذیرفته می شود؛ و کمترین شفاعتی که یک انسان با ایمان می کند، آن است که چهل تن مسلمان گناهکار را از آتش نجات می بخشد).

و از این آیه که دروغ و حسرت کافران را در روز رستاخیز ترسیم می کند می توان فهمید که اصل

۱ - طبرسی، فضل، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۲.